



چنانچه افراد جاهل ساکت باشند، مردم دچار اختلاف نمی شوند، چه شاید مثلا با لایردن اما شهدا به مذاق برخی خوش می آمد، اما قاطبه مردم که بر اساس صداقت پای کار انقلاب بودند با این شیوه با مشکل روبه رو می شدند دیگر سخن از امام جواد (ع) هم همین شد. بهشتی و انقلاب را تأیید می کند، آنجا که فرمود: «مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ

درسباری از کشورها خبر سن ونهضت وانقلاب اتفاق افتاده است، اما به جرئت می توان گفت انقلاب ما باهمه نهضت های دیگر فرق دارد. شاید در دیگر جریانات و کشورها هر کاری برای پیروزی مجاز باشد، اما در انقلاب اسلامی ایران همه مجوزها در قاعده شرعی و اخلاقی تعریف می شود. ما حق حاکم را به شیوه باطل عمل کنیم، حق داریم در برابر دشمن هم جز به قذمی می برداریم و حرفی بزنیم. به واقع اسلامی به قرآن روح... از خود حکم بید یک دانش سخن به پیروزی رسید ساکت باش را به تفنگ ها داد اند که انقلاب تفنگ و آتش جایی ندارد. مخالفان اما یک برگ نمی توانستند که سندشود برای اینکه امام مشی را اولویت داده باشد. حتی تأیید کرد یک ساکت باش هم در انقلاب به افراده شده است. نمونه شان را در کادر شهید های... ذکر بهشتی می گفتی برخی افراد آمدند و گفتند: شهدا را بالاتر اعلام کنیم تا سالی سن رژیم بخورد و صدای بلند تری را بر دارد. او اصراصی به صدافه و گفت: از پلکان حرام ک نماز نشانه سعادت حلال رسیده. او ساکت به این قبیل افراد، چه می دانست این امام جواد... که برای همه جمعی فرموده است: اشکع الجاهل عما الخلف قاعده لئو سکت الجاهل عما الخلف

ن به صنایع دوله واگذار شد. ریاست او بر مجلس شورای ملی، هنگامی به جنجال کشیده شد که باایحه قرضه دولت ایران از دولت روسیه انگلیس مخالفت کرد و به چهره ای ضد روس تبدیل شد. دیگر هم رأی او، اتابک رادر همان



مرتضی قلی خان پسر
علی قلی خان میخردوله و از
نادگان درضا قلی خان هدایت
بود. میخردوله‌ها نسل به نسل
در خدمت اقتصاد و سیاست
مملکت بودند. علی قلی خان
خودش از رجال قاجار بود
و سپه‌هایش نیز سال به سال جا
پای پدری می‌گذاشتند. به طوری
که همه مرتضی قلی و
مفده ساله بود با ناصرالدین شاه به عتبات
رفت و در همان سال او را تاسفر به اروپا همراهی
کرد. در سرش را در آلمان ادامه داد و ووهایی
به پیست و چهار سالگی رسید در قامت یک جوان
برنگ رفته با سواد به ایران برگشت. در آلمان.
معدن شناسی خوانده بود و مدرسه صنعتی
رفته بود به زبان آلمانی و فرانسوی و انگلیسی
متم تسلط داشت. مجموع این محسنات بود
که باعث شد وقتی به ایران برمی‌گردد از سوی
اصراالدین شاه لقب «صنیع الدوله» را دریافت
کند. زمینه تحصیلات او در حوزه صنعت، خیلی
موازی را با پیش که از تقاضای های کارگری که فهمید
ما از روی کاران اقتصاد شد کاروری که فهمید
سیاست درست، بنای یک اقتصاد موفق است.
سازنده سال طول کشید؛ در این مدت از فعالیت
و پروژه استخراج سرب شیرین گرفته تا کار
تلگرافخانه و وزارت معدن و تأسیس کارخانجات
خریسی و واردات کشتی راجع به کرد. اما در این زمانه
قابیت با اقتصاد خارجی شکست می خورد با منابع
مالی اش به درستی تأمین نمی شد. پس در سال
۱۲۷۶ به وزارتخانه پست رفت و شش سال بعد
بسیاست اداره پست و گمرک را بر عهده گرفت.
مهمه های تدوین نخستین نظام نامه انتخاباتی
در سوی مظفرالدین شاه به‌شک می رسید. بارها

صنایع الدوله در مقدمه نخستین بودجه ایران نوشته بود: «پوشیده نیست که مالبه مملکت به منزله خون است در بدن. همچنان که فساد خون اسباب بروز مرض می شود. اغشاش امر مالبه می باعث اختلال امر ملوک است. متأسفانه دولت ایران سال هاست گرفتار این اختلال و مرض مالی است...» بودجه ای که برای نخستین بار بر اساس اصول فنی تنظیم شده بود و تنها به درآمد منابع طبیعی محدود نمی شد و برای اولین بار، درآمد‌های هزینه‌های دولت را در سندی واحد با ردیف‌های جداگانه قید می کرد. طرح را اندازی راه آن سراسری در همین سند پیشنهاد شد و دخل و خرج عمومی را برای شاه محدود و در دسترس مردم قرار داد. این بودجه ۵۰۰ هزار تومان کسری داشت. اما تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی که درآمد‌های نفتی به بودجه تزریق شد، اساس بودجه نویسی مجلس شورای ملی قرار گرفت.

آشیشال*

کدامشان جایشان کنار سرباز خالی است
و کدامشان یگونی‌شان آوردم امشب
نگهبانی من نبود. برف زیباست و ذوق
دارد، ولی فقط برای بعضی‌ها. برف نعمت
است برای همه. قشنگی برف از داخل اتاق
گرم کنار شومینه با یک فنجان شکلات داغ
با قهوه زیاد همه شازین است، ولی
برای یک موتوروی‌های نازنین و نجیب
برای صیفی‌جات کارها. برای سفال‌گرا
هم زیباست و خوش حال‌کننده؟
فشت از چاک بده و یک کوهه را حتی توی
نوو و بوداییست قدم بزنی. شکمت هم گرسنه
شد و ندانی شب را فراموش است کجا بخوابی. بعد
هم همین نظر را راجع به برف داری؟ هر چند
خدای کشاورزهایی که از برف خوش حال‌اند،
خدای پیک موتوری‌ها و سفال‌گرا هم هست؛
لی تعارف که نداریم. زمستان. برف به ویژه برای
بول‌اند. قشنگ تر است. این‌ها را بنویسم که

در کیلان زبیا باران همیشه هست، بسیار همسست و برای خیلی ها تکراری شده است، در رشت باران می تواند یک قرار عاشقانه و ملغی کند و در بم باران قطعاً پنهانه و جشن دوفنره ای است برای یک قرار جدید که بگویم بر یک میز سوزده های است که هزار عجب و دیدگاه و جهان هایی تعریف کنیم؛ سرسبز نوی بیجار بالای برجک، یک گوشی بدون دوربین را یواشگاه گذاشته توی جملهمولدنیشت و پرده بالا که سرگرم باشد. فکر کنید یک جملهمولدنیشت و کلمه ای تایپ می کند و برای چندین نفر می فرستد، جمله ای است، عجب برقی، این جمله را برای آدم های می فرستد، دانشمندان، پدردارش و محبوسش و دانشمندان؟ شویند، دانشمندان نازا؟

خسته و خفته از این خیل جدا می ماند
این سفر هم‌ره تاریخ به جا می ماند
مرغ دل سیر ز هر دام رها می ماند
همچو داغی به دل حادثه ها می ماند
نعره ی ماست که درگوشی شما می ماند
مرد با هر چه بستم، هر چه بلا می ماند

محمد علی بہمنی



جشن ۴۵ سالگی

جشن چهل و پنج سالگی انقلاب اسلامی ایران در سراسر کشور
با شور و اقبال مردمی برپا شد.
هزاران نفر از مردم مشهد هم از کوچک و بزرگ گرفته تا مرد و
زن، دیروز ۲۲ بهمن از خیابان ۱۵ خرداد تا میدان بیت المقدس
فریاد «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» سر دادند.



برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: محمد حسن صلواتی | شهرآرا